

نقادی قرآنی نظریه «فقر منابع و ضرورت مهار رشد جمعیت» مالتوس

مجید بیگی^۱

Abstract

Thomas Robert Malthus, through his "scarcity of resources" theory, posited that population grows at a geometric rate, whereas resources increase only arithmetically. Consequently, human societies would eventually face a widening gap between needs and productive capacity, leading to poverty, famine, and disease as natural balancing mechanisms. This theory has formed the basis for numerous global policies on population control, resource distribution, and development planning. The present study, adopting an analytical approach, critically examines Malthus's theory from the perspective of the Qur'an. The findings indicate that Malthus's model is not merely a statistical framework but reflects a specific worldview that requires epistemological critique and a redefinition of its foundational concepts in light of Qur'anic teachings. From the Qur'anic perspective, Malthusian theory faces several fundamental shortcomings. First, the assumption of a lack of wisdom and divine provision in nature contradicts Qur'anic teachings, which depict resources as abundant, manifestations of divine grace, and inherently accessible to humanity. Sustenance (rizq) is certain and divinely ordained, and human actions directly influence access to divine blessings; hence, poverty is primarily a human and social phenomenon, which the Qur'an emphatically urges societies to address. Furthermore, the portrayal of humans as selfish consumers conflicts with their Qur'anic role as responsible vicegerents (khulafā') on earth. Accordingly, population is not merely a threat but a potential opportunity for the prosperity and development of the earth.

Keywords: Resource scarcity, Malthus, Qur'an, Population, Sustenance (Rizq)

چکیده

توماس رابرت مالتوس، با طرح نظریه «فقر منابع»، بر این باور بود که جمعیت با نرخ تصاعدی رشد می‌کند، در حالی که منابع، تنها با نرخ حسابی افزایش می‌یابند. نتیجه آن‌که، دیر یا زود جوامع انسانی با شکافی فزاینده میان نیاز و توان تولید روبه‌رو خواهند شد و در پی آن، فقر، قحطی و بیماری به‌عنوان عوامل طبیعی تعادل‌بخش، وارد صحنه می‌شوند. این نظریه، مبنای بسیاری از سیاست‌های کنترل جمعیت، توزیع منابع و برنامه‌های توسعه

^۱ - استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه دامغان، دامغان، ایران m.beygi@du.ac.ir

در سطح جهانی قرار گرفته است. مقاله حاضر، با رویکردی تحلیلی، به نقادی این نظریه از منظر قرآن کریم می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظریه مالتوس صرفاً یک مدل آماری نیست، بلکه بازتاب‌دهنده جهان‌بینی خاصی است که نیازمند نقد معرفتی و بازتعریف مفاهیم بنیادین آن از منظر قرآنی است. نظریه مالتوس از منظر قرآن با چند اشکال اساسی مواجه است. نخست آن‌که، فرض فقدان حکمت و رزاقیت در نظام طبیعت، مغایر با آموزه‌های قرآن است که منابع را فراوان، و جلوه‌ای از فیض الهی و مسخر و ملازم انسان معرفی می‌کند. رزق، مقوله‌ای حتمی و مقدر است و اعمال انسان رابطه مستقیم با منابع و میزان برخورداری انسان از نعمات الهی دارد. بدین جهت فقر یک پدیده بشری محسوب می‌شود و مورد سفارش موجد قرآن به حل این معضل اجتماعی است. تصویر انسان به‌مثابه مصرف‌کننده‌ای خودخواه، در تضاد با نقش خلیفه‌اللهی و مسئولانه او در نظام قرآنی است. از این رو جمعیت نه تنها تهدید محسوب نمی‌شود بلکه فرصتی برای آبادانی و عمران زمین بشمار می‌رود.

واژگان کلیدی: فقر، منابع، مالتوس، قرآن، جمعیت، رزق

مقدمه

۱- بیان مسئله:

در بستر تحولات صنعتی و شهری شدن جوامع اروپایی دغدغه‌های متعددی در میان اندیشمندان اروپایی شکل گرفت که عموماً بسیاری از آنها در افزایش سریع جمعیت و نگرانی از ناکافی بودن منابع به‌ویژه مواد غذایی ریشه داشت. در این میان توماس رابرت مالتوس (۱۷۶۶-۱۸۳۴) نظریه فقر منابع و ضرورت مهار رشد جمعیت را مطرح کرد. مالتوس که از نخستین نظریه‌پردازان نظام‌مند نظریه جمعیت محسوب می‌شود در کتاب خود^۲ ادعا کرد که رشد جمعیت به‌صورت تصاعد هندسی و رشد تولید غذا به‌صورت حسابی انجام می‌پذیرد؛ و این عدم توازن، دیر یا زود، منجر به بروز فقر، قحطی، بیماری و مرگ‌های گسترده خواهد شد. بر اساس این دیدگاه، منابع اقتصادی محدود و غیرقابل توسعه‌اند، حال آن‌که خواسته‌ها و نیازهای بشر همواره در حال افزایش‌اند. این تضاد ساختاری، منجر به ظهور فقر به‌عنوان واقعیتی طبیعی و گریزناپذیر می‌شود. بر این اساس مالتوس ادعا کرد که اگر رشد جمعیت مهار نشود، منابع غذایی از تأمین نیاز بشر ناتوان خواهند شد. طولی نکشید که این دیدگاه، مبنای تحلیل‌های جمعیتی، نظریه‌های توسعه، و برنامه‌ریزی اقتصادی در سطح جهانی قرار گرفت (هارتمن، ۱۹۹۵؛ کانلی، ۲۰۰۸) و از قرن بیستم، نظریه‌های نو مالتوسی در سیاست‌های کنترل جمعیت، مدیریت منابع، و برنامه‌های بین‌المللی اعمال گردید و در زندگی اکثریت جوامع جهان سوم و حتی کشورهای اسلامی تأثیر بسزایی گذاشت. از آنجا که مطابق دستورات قرآن کریم جهت‌گیری زندگی انسان مسلمان باید تحت ولایت الله قرار گرفته و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی باشد لازم است این نظریه از منظر قرآنی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛ بدین جهت پرسشی بدین‌صورت قابل طرح است که نظریه مالتوس براساس آموزه‌های قرآنی چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟ همچنین مبانی و مفاهیم اصلی نظریه مالتوس از منظر قرآن چگونه ارزیابی می‌گردد؟

۱، ۱ پیشینه پژوهش:

نظریه مالتوس درباره رابطه جمعیت و منابع، از آغاز انتشار خود با نقدهای متعددی از سوی اندیشمندان مختلف مواجه شده است. یکی از مهم‌ترین این منتقدان، آمارتیا سن بود که در مطالعات خود بر بحران‌های قحطی، تأکید کرد؛ قحطی نه نتیجه کمبود منابع بلکه حاصل نبود دسترسی عادلانه به آن‌هاست (سن، ۱۹۸۳، ۳۹) او با تحلیل قحطی بنگال نشان داد که حتی در شرایط وفور نسبی مواد غذایی، ساختارهای توزیعی ناعادلانه و بی‌ثباتی اقتصادی می‌تواند منجر به گرسنگی گسترده شود (سن، ۱۹۸۳: ۴۰-۳۹). کارل مارکس نیز پیش از آن، نظریه مالتوس را

^۲ Essay on the Principle of Population (1798)

ابزاری برای توجیه نظم سرمایه‌داری تلقی کرده بود و بر این باور بود که فقر ناشی از تضاد طبقاتی است نه افزایش جمعیت (مارکس، ۱۸۶۷: ۷۸۴). در نقدهای معاصر، استر بوسراپ با ارائه نظریه فشار جمعیتی، استدلال کرد که رشد جمعیت می‌تواند نوآوری و توسعه کشاورزی را تحریک کند (بوسراپ، ۱۹۶۵: ۱۷). این دیدگاه‌ها، مجموعاً نظریه مالتوس را از منظر علمی به چالش کشیده‌اند. در ایران نیز نظریه مالتوس مورد نقد های جدی قرار گرفته است نویسندگان مقاله «پیشینه تاریخی برنامه جهانی کنترل جمعیت» در نقض نظریه مالتوس می نویسند «بعد از طرح نظریه مالتوس جمعیت اروپا چندبرابر شد، ولی نه انگلستان و نه اروپا و نه ایالت متحده به قحطی و بلایایی که مالتوس هشدار داده بود، دچار نشد، بلکه برعکس، تولید به شکل چشمگیری افزایش یافت به حدی که در این جوامع برای کنترل قیمت بسیاری از محصولات کشاورزی را آتش زدند» (جمالی و همکاران، ۱۳۹۳) در بررسی نظریه مالتوس با رویکرد قرآنی با توجه به جستجوها و تحقیقات به عمل آمده پژوهش مستقل و متمرکزی بدست نیامد صرفاً در برخی پژوهش ها بصورت محدود به عنوان بخشی از مبحث می توان به مطالبی در این باره دست یافت؛ از نخستین متفکران در این حوزه علامه طهرانی است که در بخشی از رساله نکاحیه به بررسی نظریه مالتوس پرداخته اما با توجه به تاکید خود نویسنده؛ عدم دسترسی به منابع و پژوهش های کافی در شناخت و رد نظریه مالتوس از چالش های عمده این پژوهش بوده است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵، ص ۲۴۹) میرمعزی نیز در مقاله «مفهوم کمیابی در اقتصاد سرمایه داری و اقتصاد اسلامی» به نظریه مالتوس اشاره می کند (میرمعزی و همکاران، ۱۳۹۸) اگرچه نویسندگان در بخشی از مقاله تلاش می کنند با استناد به برخی آیات، کمیابی مطلق را نقض و به کمیابی نسبی دست یابند اما از آنجا که هدف و عنوان پژوهش در حوزه تبیین مرزبندی اقتصاد اسلامی با اقتصاد لیبرالیستی است توجه دقیق و مستقل به پیش فرض ها و مبانی نظریه مالتوس در حوزه جمعیت نشده و مقاله رویکرد مستقل قرآنی در نقد نظریه مالتوس ندارد. مقاله دیگری که با رویکرد جمعیت به نظریه مالتوس توجه کرده مقاله «نقد و بررسی تطبیقی دیدگاه های موافق و مخالف کنترل جمعیت» است که نویسندگان در این مقاله تلاش کرده اند با تقسیم ادله به درون دینی و برون دینی به بررسی نظریات مطرح در این حوزه بپردازند این مقاله نظریه مالتوس را در کنار سایر نظریات مطرح کرده و به صورت مستقل و مستوفی به آن نپرداخته (ترکشوند و قرباغی، ۱۳۹۹) همچنین در بخش ادله درون دینی نیز از منظر دیدگاه متفکران اسلامی ادله قرآنی و روایی موافقین و مخالفین کنترل جمعیت را بررسی کرده و به صورت مستقل به نقادی قرآنی نظریه مالتوس نپرداخته بدین جهت رویکرد آن با پژوهش پیش رو کاملاً متفاوت است

۲،۱. اهمیت و ضرورت تحقیق :

با توجه به اینکه کاهش چشمگیر نرخ رشد جمعیت در ایران تبدیل به یکی از چالش های راهبردی کشور گردیده امروزه بازاندیشی در مبانی نظری مرتبط با جمعیت با توجه به مبانی ارزشی و فرهنگی جامعه ایرانی ضرورت دوجندان پیدا نموده است. بدیهی است برای خروج از این بحران لازم است از همه ظرفیت های جامعه که یکی از مهمترین آنها آموزه های دینی است باید استفاده شود. نظر به فقدان پژوهشی علمی با رویکرد قرآنی در این حوزه، مقاله پیش رو برآن است به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد قرآنی بصورت مستقل و متمرکز به نقادی نظریه مالتوس مبنی بر «ضرورت مهار رشد جمعیت» بپردازد تا بنیان نظری بدیلی برای سیاست گذاری جمعیتی و فرهنگ سازی عمومی در ایران فراهم آورد.

۲. چهارچوب نظری و ساختار فکری نظریه مالتوس

نظریه مالتوس بر چند مبنا و پیش فرض استوار است که در راستای ارزیابی و نقادی آن لازم است در گام نخست این مبانی و پیش فرض ها مورد بحث و بررسی قرار گیرد :

۲،۱. تلقی ریاضی گونه از رابطه جمعیت و منابع

توماس رابرت مالتوس در اثر بنیادین خود «مقاله‌ای درباره اصل جمعیت» (چاپ اول ۱۷۹۸، ویرایش دوم ۱۸۲۶)، مدلی ریاضی‌وار و دوگانه از رابطه میان جمعیت و منابع غذایی ارائه داد. به‌زعم او، جمعیت انسانی، در شرایط طبیعی و بدون کنترل، با نرخ تصاعد هندسی رشد می‌کند (۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶، ...) در حالی‌که تولید غذا تنها می‌تواند با نرخ حسابی افزایش یابد (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ...) (مالتوس، ۱۸۲۶، فصل دوم). این اختلاف فاحش در نرخ رشد، به‌زعم مالتوس، منجر به قحطی، بیماری و مرگ‌های گسترده می‌شود که به‌عنوان مکانیسم‌های تنظیم طبیعی عمل می‌کنند.

هرچند این مدل ساده‌سازی شده در زمان خود جذاب می‌نمود، اما با دقت نظر بدست می‌آید که از انعطاف نظری لازم بی‌بهره است. مالتوس عواملی چون نوآوری فنی، پیشرفت‌های کشاورزی، نظام‌های توزیعی عادلانه و ظرفیت نهادهای اجتماعی در مدیریت منابع را نادیده گرفت (سن، ۱۹۸۳، صص. ۱-۷؛ سایمون، ۱۹۸۱؛ مارکس، ۱۸۶۷، فصل ۲۵).

۲، ۲. پیش فرض های معرفت شناختی و فلسفی نظریه مالتوس

الف - هستی‌شناسی مادی و جبرگرایانه

مالتوس در آثار خود، به‌ویژه در «مقاله‌ای درباره اصل جمعیت» (۱۷۹۸) و نسخه گسترش‌یافته ۱۸۲۶، جهان را نظامی محدود، بسته و فاقد جهت‌گیری الهی معرفی می‌کند. در تبیین او، طبیعت تابع قوانین مکانیکی و غیرشخصی است که به‌طور خودکار، جمعیت و منابع را تنظیم می‌کند. او منابع طبیعی را موجودی ثابت، کمی و رقابتی می‌داند که با رشد جمعیت وارد فشار می‌شوند و باید از طریق عوامل بیرونی مانند قحطی، بیماری، یا کنترل جمعیت متوازن شوند (مالتوس، ۱۸۲۶، فصل دوم).

این تلقی، برخاسته از نوعی هستی‌شناسی سکولار است که در آن جهان فاقد غایت‌مندی الهی بوده و مدیریت منابع، صرفاً به مکانیسم‌های زیستی و طبیعی سپرده شده است. آبراهام واترمن، پژوهشگر تاریخ اقتصادی مسیحیت، در بررسی خود بر آثار مالتوس، تأکید می‌کند که رویکرد وی به طبیعت و جامعه، برخلاف آموزه‌های دینی، شدیداً تجربه‌گرایانه، سودمحور و فاقد بعد قدسی بوده است (واترمن، ۱۹۸۶، صص. ۳۷۳-۳۶۸). از همین روست که نظریه مالتوس به یکی از ارکان معرفتی اقتصاد مدرن غیرالهی تبدیل شده و در ادبیات نئومالتوسی نیز همین نگاه مکانیکی تداوم یافته است.

ب - انسان‌شناسی ابزاری و بدبینانه

در نظام فکری مالتوس، انسان واجد ویژگی‌هایی است که او را به‌جای یک موجود اخلاق‌مدار، تربیت‌پذیر و هدفمند، به عامل بحران‌ساز طبیعت تبدیل می‌کند. وی در کتاب «مقاله‌ای درباره اصل جمعیت» تصریح می‌کند که انسان به‌طور طبیعی تمایل به تولیدمثل دارد و در شرایط فقدان بازدارنده‌های بیرونی، این میل بی‌حد و مرز، رشد جمعیت را تسریع کرده و منابع را با فشار شدیدی مواجه می‌سازد (مالتوس، ۱۸۲۶، فصل‌های اول تا سوم). او می‌نویسد: «میل جنسی، نیرویی قوی و پایدار است که بدون مهار، جامعه را به فاجعه می‌کشاند» و تنها از طریق "فقر، بیماری، جنگ و پرهیز جنسی داوطلبانه" می‌توان آن را مهار کرد (مالتوس، ۱۸۲۶، ص ۱۵). در این نگاه، انسان موجودی است لذت‌طلب، بی‌تدبیر، تابع غرایز زیستی، و فاقد قوه عقل عملی که بتواند از طریق اخلاق یا دین خود را مهار کند. به‌همین دلیل، مالتوس هیچ جایگاهی برای نقش اخلاق دینی، تعلیم الهی یا اصلاح اجتماعی در کنترل جمعیت قائل نیست. انسان، اگر رها شود، طبیعت را نابود می‌کند و اگر بخواهد حفظ شود، باید محدود گردد. بطور کلی تهدیدی برای تعادل طبیعت تلقی می‌شود (واترمن، ۱۹۸۶، صص. ۳۷۳-۳۷۱).

۳، ۲. پیامدهای نظری و کاربردی نظریه مالتوس

الف - فقر به مثابه ضرورتی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر

در چارچوب نظریه مالتوسی، فقر نه تنها یک پدیده اجتماعی یا نتیجه ساختارهای ناعادلانه توزیع، بلکه ضرورتی گریزناپذیر ناشی از نابرابری ذاتی میان نرخ رشد جمعیت و ظرفیت تولید منابع در نظر گرفته می‌شود. بر اساس دیدگاه مالتوس، منابع طبیعی با آهنگی حساب‌شده و محدود رشد می‌کنند، در حالی که جمعیت، در غیاب محدودیت‌های طبیعی یا اخلاقی، میل به رشد هندسی دارد. از این رو، فقر به عنوان پیامد حتمی «قانون طبیعی جمعیت» تلقی شده و تلاش برای ریشه‌کنی آن، برخلاف روند طبیعی جامعه ارزیابی می‌شود. این تلقی سبب شد فقر به جای آن‌که امری اصلاح‌پذیر و وابسته به ساختارهای انسانی قلمداد شود، به یک واقعیت محتوم و طبیعی تبدیل شود (مالتوس، ۱۷۹۸، صص. ۱۸-۱۳).

ب - مشروع‌سازی سیاست‌های کنترل جمعیت

نظریه مالتوس به مبنایی نظری برای توجیه مداخلات سیاست‌گذاران در حوزه جمعیت‌شناسی بدل شد. از منظر این نظریه، افزایش جمعیت مهم‌ترین تهدید برای منابع محدود زمین است و بنابراین، اقدامات سخت‌گیرانه برای مهار رشد جمعیت در کشورهای فقیر، توجیه‌پذیر جلوه داده شد. در دهه‌های بعد، همین نگاه مبنای بسیاری از برنامه‌های کنترل زاد و ولد، عمدتاً در کشورهای در حال توسعه، توسط نهادهای بین‌المللی قرار گرفت. منتقدان این رویکرد استدلال می‌کنند که این سیاست‌ها، گاه از منظر حقوق بشر و کرامت انسانی قابل نقد بوده و با رویکردی استعماری به جوامع جنوبی نگریسته‌اند (هارتمن، ۱۹۹۵، صص. ۸-۱۰، ۳۵-۳۸). دیدگاه مالتوس درباره فقر منابع و رشد مهارنشده جمعیت، در قرن بیستم به واسطه ظهور جریان نئومالتوسی، به شکل گسترده‌ای در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی نفوذ یافت. نهادهایی چون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و آژانس‌های تخصصی سازمان ملل، به‌ویژه UNFPA، تحت تأثیر این رویکرد، سیاست‌هایی را با هدف کنترل جمعیت در کشورهای در حال توسعه ترویج کردند (هارتمن، ۱۹۹۵؛ کانلی، ۲۰۰۸) در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، تحت فشار این نهادها، برنامه‌های تنظیم خانواده، تبلیغات کاهش زاد و ولد، سقط جنین، توزیع رایگان وسایل جلوگیری از بارداری و حتی عقیم‌سازی اجباری در کشورهای نظیر هند، بنگلادش، اندونزی و برخی کشورهای آمریکای لاتین اجرا شد (سیندینگ، ۲۰۰۰). این رویکرد به جای حل بحران فقر، در عمل به نقض حقوق بشر و تضعیف ساختار خانواده در بسیاری از جوامع انجامید (هارتمن، ۱۹۹۵؛ کانلی، ۲۰۰۸).

۳. ارزیابی انتقادی نظریه مالتوس بر اساس آموزه های قرآنی

بر اساس مباحث پیشین چنین بدست می آید که نظریه مالتوس صرفاً یک مدل آماری نیست، بلکه تبلور یک جهان‌بینی خاص است که نیازمند نقد معرفتی از منظر قرآنی و بازتعریف مفاهیم کلیدی آن می باشد. در ادامه به ارزیابی انتقادی نظریه مالتوس در دو بخش می پردازیم؛ در بخش اول ابتدا مفاهیم بنیادین نظریه مالتوس از منظر قرآن مورد بررسی قرار گرفته و نگرش قرآن نسبت به آن مفاهیم استخراج می گردد سپس در بخش دوم مولفه های نظریه مالتوس بر اساس داده و یافته های مباحث بخش اول مورد ارزیابی انتقادی قرار می گیرد

۱،۳ واکاوی مفاهیم بنیادین نظریه مالتوس در منطق قرآن

نظریه مالتوس بر سه مفهوم بنیادی منابع، فقر و جمعیت استوار است در این بخش از مقاله این مفاهیم را از منظر قرآنی مورد واکاوی قرار می دهیم. هر یک از مفاهیم می تواند مفاهیم وابسته و پیرامونی داشته باشد مانند مفهوم منابع که در تحلیل قرآنی آن مفاهیم طبیعت، نعمت و رزق از جمله مفاهیم پیرامونی این کلید واژه بشمار می روند در ادامه ذیل سه عنوان کلی فوق الذکر هر کدام از مفاهیم پیرامونی و وابسته نیز مورد تحلیل قرار می گیرد:

۱،۱،۳ منابع در قرآن؛ طبیعت و مخلوقات مادی

بطور کلی منابع که شامل مفاهیمی چون طبیعت، مخلوقات است، نشانه‌های از حکمت و رحمت پروردگار بشمار می‌آیند (انعام: ۴۲) در قرآن، طبیعت و منابع آن، تجلی‌گاه توحید افعالی و نشان‌دهنده ربوبیت خداوند هستند (بقره: ۲۲، ۱۷۲). آیات متعددی به وفور منابع و تسخیر آن‌ها برای انسان اشاره دارند که از جمله آن‌ها آیاتی است که در آن واژه «سَخَّرَ» **بکار رفته و دلالت بر تسخیر مخلوقات و منابع برای «انسان» دارند.** از مجموع این دسته از آیات آیه «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (لقمان: ۲۰) دلالت صریح در فزونی و فراوانی نعمت‌های مسخر شده الهی برای نوع انسان دارد. علامه طباطبائی در تحلیل عبارت «سخر لكم» در این آیه می‌نویسد: «اسباب مؤثر در عالم هر چه باشد، با سببیتی که هر يك مخصوص به خود دارد، آن کاری را انجام می‌دهد که خدا می‌خواهد، و خدا از مجموع آنها نظامی را می‌خواهد که با آن عالم انسانی را تدبیر کند، و حوائج او را بر آورد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶ ص ۳۴۲) همچنین عبارت «أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» را به سنگ تمام گذاشتن و توسعه دادن نعمت‌های پروردگار بر انسان‌ها تفسیر می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۴۲) طبرسی نیز «اسبغ علیکم» را به فراوانی نعمت تفسیر می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۰۱) تفسیر نمونه نیز این عبارت را به گستردگی و فزونی نعمت خداوند بر انسانها تفسیر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۶۴) از دیگر آیاتی که کلید واژه «سخر» در آن به فزونی منابع اشاره دارد آیه «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ» (جاثیه، ۱۳) صاحب تفسیر مجمع البیان در تحلیل این آیه بیان می‌دارد که معنی تسخیر اینها برای ما آنست که خداوند، این موجودات را همگی برای ما آفریده است تا از آنها بهره‌برداری نمائیم (طبرسی ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۰۱) علامه طباطبائی نیز معتقد است روز به روز دامنه انتفاع و بهره‌گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می‌یابد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۴۶) ایشان در تحلیل این موضوع می‌نویسد: انسان در زندگی خود از موجودات علوی و سفلی منتفع می‌شود، و روز به روز دامنه انتفاع و بهره‌گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می‌یابد، و آنها را از جهات گوناگون واسطه رسیدن به اغراض خود یعنی مزایای حیاتی خود قرار می‌دهد، پس به همین جهت تمامی این موجودات مسخر انسانند». (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۴۶) با مرور و بررسی اکثر منابع روایی و تفسیری که به تبیین و تحلیل آیه مذکور پرداخته‌اند می‌توان چنین بیان داشت که در اندیشه مفسرین اجماع بر آن است هر آنچه که نیاز بشر برای گذران زندگی مادی می‌باشد خداوند متعال آن را در اختیار و تسخیر انسان قرار داده و تا زمانی که انسان بر روی زمین زندگی می‌کند اراده خداوند بر آن تعلق گرفته که از مواهب الهی منتفع گردد و در این میان تفاوتی میان انسان ادوار و نسل‌های پیشین و پسین نیست و همچنین هیچ تفاوتی هم میان مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد در واقع می‌توان اصل اولیه‌ای بدین صورت وضع نمود که تلازمی میان انسان و منابع از منظر قرآن وجود دارد هرچا و هرزمان که انسان باشد منابع نیز در اختیار او وجود دارد در نقض تصور پایان‌پذیری منابع علاوه بر مستندات پیشین می‌توان به تفسیر آیه «وَأِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر: ۲۱) به کلام علامه طباطبائی در اتصال منابع زمینی به خزائن پایان‌ناپذیر الهی استناد نمود «هر يك از این اشیاء مورد حاجت آدمی جزء جزءش، و همچنین قوای فعاله‌اش در آن خزینه‌ها ذخیره شده‌اند، و آن خزینه‌ها به خاطر عظمت مقدارش و به خاطر اجزای جدیدی که با انحلال ترکیب مرکبات به سبب مردن و یا فساد و رجوعشان به عناصر اولیه پدید می‌آید به هیچ وجه پایان نمی‌پذیرند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۰۷)

۲/۱/۳ مفاهیم پیرامونی منابع در قرآن

الف - نعمت

نعمت اسم مصدر نوعی است و در معانی ذیل در کتاب‌های لغت آمده است: آنچه خدا به بنده بدهد (فراهدی، ج ۱۲، ص ۱۶۱) منت و بخشش (از هری، بی‌تا، ج ۳، ص ۹) احسان و کار نیک (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۸۱۴) منفعت، نرمی و لطافت زندگی، رفاه و حالت نیکو (پیشین، ۸۱۵) با تحلیل و بررسی سخن لغت‌شناسان چنین بدست می‌آید واژه نگاران در تبیین معنای اصلی این ماده یکسان سخن گفته‌اند و معنای اصلی را برخورداری و آسایش، فراخی و خوشگوارای زندگی دانسته‌اند (موسوی، ۱۳۹۴، ۵۲) با تحلیل و بررسی واژه نعمت و مشتقات

آن در قرآن می توان این مفهوم را در چند گونه متفاوت دسته بندی کرد که از جمله آنها تقسیم نعمت به ابتدایی و پاداشی است نعمت های ابتدایی شامل هر نعمتی است که خداوند برای آسایش انسان بدون در نظر گرفتن عقاید اعمال و رفتار او به آنان اعطاء می کند در برابر نعمت های ابتدایی نعمت های پاداشی قرار دارند که در صورت بهره گیری صحیح از نعمت های ابتدایی نصیب انسان می شوند بر این اساس نعمت ها به عام و خاص نیز تقسیم می شوند نعمت های عام به همه انسان ها تعلق می گیرند و مربوط به فرد یا گروه خاصی نیستند ولی نعمت های خاص مربوط به افراد یا گروه های ویژه ای است که بر اساس شرایط و موقعیت به آنها داده می شود (موسوی ۱۳۹۴، ۶۲) قرآن کریم تصریح به فراوانی و بی حد و حصر بودن نعمت های الهی دارد «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل: ۱۸) همچنین در آیه دیگر با تاکید بر عبارت «به شما از آنچه نیاز دارید داده شده است» بیان می کند «وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (ابراهیم: ۳۴) علامه طباطبائی در تفسیر این آیات بر آن است که خداوند تعالی به نوع انسان آنچه که خواسته است مرحمت فرموده، و هیچ حاجتی نمانده مگر آنکه بر آورده، و بر می آورد

(طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۸۵) در عبارت پایانی آیه فوق خداوند خود را به رحمت و مغفرت وصف می کند و بیان می دارد میان رحمت و نعمت خداوند تلازم وجود دارد همچنان که رحمت پروردگار واسعه و بی نهایت و همه را شامل می شود نعمت پروردگار هم شامل و واسعه و به تعبیری تمام نشدنی است (پیشین) اگر بتوانیم متصور شویم که رحمت الهی منقطع می شود آنگاه می توانیم متصور شویم که نعمت پروردگار نیز منقطع می گردد. همچنان که که نظام طبیعت برای انسان مسخر شده لذا وفور نعمات، اصل است نه استثناء. بنابراین، کمبود و قحطی نمی تواند قاعده ای طبیعی و اجتناب ناپذیر نظام هستی باشد (نحل: ۱۸، ابراهیم: ۳۴، جاثیه: ۱۳)

ب - رزق در قرآن

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی مرتبط با مفهوم «منابع» واژه «رزق» است. در کتب لغت واژه رزق به «ماینتفع به» معنا شده است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۶۲) با تدبر در آیات قرآن چنین بدست می آید که واژه رزق بر چند معنا اطلاق گشته است؛ ۱. اعطای جاری ۲. بهره و نصیب ۳. آنچه به شکم جاندار می رسد و با آن تغذیه می کند. (بیگی ۱۴۰۱، راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ۳۵۱، قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۸۲) قرآن واژه رزق را ابتدا فقط به خوراک اطلاق می کند «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن» (بقره: ۲۳۳) سپس در طیفی دیگر از آیات معنای واژه را توسعه داده و به کلیه چیزهایی که برای انسان سودمند و نافع است اطلاق می نماید «ام تسئلهم خرجه فخر اج ربك خیر و هو خیر الرازقین» (مومنون: ۷۲) و در طیف دیگری از آیات معنا را توسعه بیشتر داده به منافع معنوی از جمله علم نبوت نیز واژه رزق را اطلاق می کند در پژوهش حاضر مراد از رزق صرفا اختصاص به رزق مادی دارد که مرتبط با مفهوم منابع در اندیشه مالتوس است در اندیشه قرآنی رزق دارای ویژگی های زیر می باشد:

۱. حتمی و قطعی بودن

دو آیه از سوره ذاریات تصریح به حتمیت و قطعیت سنت رزق دارد «و فی السماء رزقکم و ما توعدون» (ذاریات: ۲۲) «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِفُونَ» (ذاریات: ۲۳) در این آیات خداوند متعال با آوردن اسلوب سوگند در ابتدای آیه، رسیدن رزق به بندگان را حتمی و قطعی دانسته و بیان می دارد «همچنان که به سخن گفتن خود هرگز شک ندارید نسبت به قطعیت رزق خود نیز شک نداشته باشید و به وصول آن یقین کنید». (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۷۶) در آیه ای دیگر «ما مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶) خداوند رزق دادن به همه موجودات را برای خود واجب نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۱۸)

۲. اشتغال یکسان مومن و کافر از رزق

به تصریح آیات فوق (ذاریات ۲۲ و ۲۳؛ هود: ۶) و سیاق آیاتی که خداوند اعراب جاهلی را که عموماً مشرک هستند از فرزندکشی به خاطر ترس از فقر نهی می‌کند (انعام: ۱۵۱، اسرا: ۳۱) چنین بدست می‌آید که خداوند روزی رسانی خود را مشروط به ایمان نکرده و کافر را از رزق خود محروم ننموده است همچنین عکس این قضیه نیز صادق نیست که خداوند کافر را -به جهت محرومیت او از رزق معنوی در جهان آخرت- در دنیا بطور ویژه مشمول رزق وسیع نموده و مومن را از رزق مبسوط محروم نماید همچنان که آیه ۳۳ سوره مبارکه زخرف تصریح می‌نماید: «وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفْهًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ» اراده خداوند بر آن تعلق نگرفته که تفاوتی میان انسان ها به جهت کفر یا ایمانشان در برخورداری از منابع قرار دهد علامه طباطبائی در تحلیل این آیه می‌نویسد: «همه مردم در برابر اسباب و عوامل بهره‌های زندگی يك نسبت دارند، و در این نسبت فرقی بین مؤمن و کافر نیست، پس هر کس منتهای سعی خود را در طلب رزق به کار ببندد، و اسباب و عوامل دیگر هم که در اختیارش هست مساعد با این کوشش باشد، قهراً به رزق مطلوب خود می‌رسد، چه مؤمن باشد، چه کافر. و کسی که آن اسباب و عوامل با سعی وی جمع نباشد، و مساعدت نکند، محروم می‌گردد، و رزقش تنگ می‌شود، چه مؤمن باشد و چه کافر» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۴۹) مولف کتاب من هدی القرآن با استناد به روایتی از امام صادق (ع)^۳ در تفسیر این آیه چنین نتیجه می‌گیرد که خداوند در برخورداری مومنین و کافرین از منابع دنیوی سنت واحدی را جاری ساخته است (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۴۷۱)

۳. دخیل بودن اعمال انسان در کاهش یا افزایش برخورداری انسان

با بررسی مجموعه آیات و روایات موجود در موضوع رزق بطور یقینی قانونی بدست می‌آید که اعمال انسان می‌تواند موجب کاهش یا افزایش برخورداری انسان گردد عبارت «لَنْ يَشْكُرُنَّ وَلَا يَدْنُوْنَكَمْ وَلَنْ يَكْفُرُنَّ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷) از مشهورترین این دسته از گزاره ها است. علامه طباطبائی در دلالت این آیه به دخیل بودن اعمال انسان در افزایش یا کاهش برخورداری او از نعمات و ارزاق الهی، بیان میدارد «خداوند تعالی در چند جای از کلامش این حقیقت را اعلام کرده که شکر نعمت، ... مایه زیاد شدن نعمت، و کفران آن، باعث عذاب شدید است.» همچنین علامه تصریح می‌کند که دلالت آیه اختصاص یا انحصار در رزق مادی یا معنوی ندارد بلکه مطلق است «آیه شریفه مطلق است و دلیلی نیست که ما آن را به وعده و وعیدهای دنیوی اختصاص دهیم و یا مختص آخرتش بنماییم، وانگهی از آیات کریمه قرآن کاملاً استفاده می‌شود که ایمان و کفر، و تقوی و فسق، هم در شؤون زندگی دنیا تأثیر دارند، و هم در زندگی آخرت.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۰) از دیگر آیاتی که تصریح در این موضوع دارد این آیات است: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارٌ» (نوح: ۱۰-۱۲) صاحب تفسیر المیزان ضمن تصریح به آنکه آیه در مقام بیان نعمت های دنیوی است در دلالت آیه می‌نویسد: بخواند از قول نوح حکایت می‌کند که به قوم خود وعده فراوانی نعمت‌ها و تواتر آن را می‌دهد، به شرطی که از پروردگار خود طلب مغفرت گناهان کنند. پس معلوم می‌شود استغفار از گناهان اثر فوری در رفع مصائب و گرفتاریها و گشوده شدن درب نعمت‌های آسمانی و زمینی دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۶) روایات متعددی به حد تواتر معنوی وجود دارد که دلالت بر این موضوع دارد که از جمله آنهاست: «الامانه تجر الرزق و الخيانه تجر الفقر؛ امانتداری روزی به دنبال دارد و خیانت مایه فقر و تنگدستی است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۵) استنزلوا الرزق بالصدقه؛ روزی را با صدقه دادن فرود آورید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۶۰)

۳- «لو فعل الله ذلك لما آمن أحد، و لكنّه جعل في المؤمنين أغنياء، و في الكافرين فقراء، و جعل في الكافرين أغنياء، و في المؤمنين فقراء، ثم امتحنهم بالأمر و النهي، و الصبر و الرضا»

(اِذَا أَمَلْتُمْ فِتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ؛ هِرْكَاه تَنكَدَسْت شَدِيد بِا دَادَن صَدَقَه بِا خَدَاي تَعَالَى سَوْدَا كَنِيْد دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَذُرُّ الرِّزْقَ وَ يَذْفَعُ الْمَكْرُوهَ) دعا كردن برای برادر مؤمن در غیاب او سبب افزایش روزی و دفع گرفتاری می گردد(کلینی، ج ۲، ص ۵۰۷) حسن الخلق یزید فی الرزق(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۹۶)

جمع بندی مبحث منابع در قرآن (طبیعت، نعمت و رزق)

مبحث «منابع» در اندیشه مالتوس در ادبیات قرآن با «مفاهیم مرتبط با مخلوقات مادی و طبیعی» و کلید واژه هایی «نعمت» و «رزق» همخوانی دارد با تحلیل و بررسی مباحث مربوط به نعمت و رزق چنین بدست می آید که در اندیشه قرآنی «منابع» به عنوان نعمات مادی در دسترس بشر دارای ویژگی های به قرار زیر است:

الف - آیات متعددی به وفور منابع و تسخیر آن ها برای انسان دلالت دارد(انعام: ۴۲) و (لقمان: ۲۰)

ب- روز به روز دامنه انتفاع و بهره گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می یابد (جاثیه: ۱۳)

ج - نعمت های الهی فراوان و بی حد و حصر، شامل، واسع و غیر منقطع می باشند (نحل: ۱۸، ابراهیم: ۳۴)

د - خداوند وعده قطعی داده که این منابع را به صورت رزق مبسوط یا مقدر در اختیار انسان(مومن و کافر) بگذارد (ذاریات: ۲۳، هود: ۶)

و - اعمال انسان در افزایش یا کاهش برخورداری انسان و میزان نزول منابع موثر است (ابراهیم: ۷، نوح: ۱۰-۱۲)

برخلاف مالتوس که منابع را یک داده طبیعی محدود می بیند، قرآن منابع را مقوله ای پویا، کافی و غیر منقطع معرفی می کند بر اساس مبانی قرآنی اگر فقر و کمبود پدید می آید، نه از جنس طبیعت، بلکه محصول اعمال انسانی مانند اسراف، فساد، ظلم و کفران نعمت انسان هاست. منابع در قرآن یک رابطه توحیدی و التزامی با انسان دارد و پیوسته قرین و در خدمت اوست. از این جهت همیشه موجود است(وعده قطعی خداوند به ارتزاق دائمی موجودات علی الخصوص انسان ها) ولی ممکن است به سبب اسباب و قوای مضیق یا مقدر گردد(کمیابی نسبی) اما هرگز ممنوع و مقطوع نمی شود(کمیابی مطلق)

۳، ۱، ۲ فقر در قرآن

واژه فقر در قرآن در قالب مشتقات فقیر، فقرا مطرح شده و بجز مواردی که دال بر فقر ذاتی و عدم استقلال وجودی مخلوقات در مقابل خداوند دارد در معنای عدم کفاف مخارج زندگی و نداشتن اندوخته مالی بکار رفته است(راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ۶۴۱) به همین سبب با واژگانی چون مساکین همنشین می شود(توبه: ۶۰) فقر براساس آموزه های اسلامی نه به عنوان یک ارزش بلکه به عنوان یک معضل شناخته می شود که لازم است انسان از شر آن به خدا پناهنده شود (کلینی، ج ۴، ص ۴۰۳) قرآن به صراحت در سوره نحل با ترسیم یک معادله، فقر را نتیجه رفتار بشری (کفران نعمت) معرفی می کند: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱) به تصریح این آیه خداوند به خاطر رفتار کفرآمیز بشر نعمت امنیت و رزق را از انسان سلب می کند و او را گرفتار ترس و فقر می نماید و عبارت «بماكانوا يصنعون» در پایان مبین پیوستگی این سنت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۲۳) این نگرش قرآنی با توجه به تصریح قرآن در فراوانی نعمت و محتوم بودن رزق کاملاً در تضاد با نظریه مالتوس قرار دارد از آنجا که در مبحث منابع اثبات گردید در اندیشه قرآنی منابع فراوان، غیر محدود و غیر منقطع می باشند از این جهت فقر نمی تواند یک پدیده محتوم طبیعی باشد بلکه به تصریح قرآن در آیه مذکور فقر یک پدیده بشری است

که می تواند در زندگی یک فرد یا یک جامعه ظهور یابد قرآن از اینکه فقر یک پدیده بشری و اجتماعی است یک قدم نیز جلوتر رفته انواع مظاهر فساد مانند قحطی، کمبود باران، خشک سالی را نیز نتیجه اعمال انسان معرفی می کند؛ ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ (روم : ۴۱) علامه طباطبائی در تحلیل این فراز می نویسد «بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم هست، که هر يك متأثر از صلاح و فساد دیگری است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۹۳) بر این اساس منشاء و علت فقر نه از بابت کمبود منابع و مواهب در طبیعت است بلکه در اندیشه قرآنی به جهت دلایل متعدد و متفاوت بشری به قرار زیر پدیدار می شود :

الف - کفران نعمت

کفر نعمت یا همان ناسپاسی به نعمت های الهی چه بصورت زبانی یا بصورت علمی مانند اسراف و تبذیر می تواند موجب زوال نعمت شده و فرد یا جامعه را دچار فقر نماید. در قرآن آیه ۱۱ سوره نحل که کفر نعمت را موجب گرفتاری یک جامعه به فقر و قحطی و نامنی معرفی می کند روایات متعددی نیز از اهل البیت به عنوان شارحین اصلی قرآن بیان شده که در آن کفر نعمت عامل اصلی زوال نعمت معرفی شده است در حدیثی امیرالمومنین (ع) می فرماید «سبب زوال نعم الکفران» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۵) و یا در حدیثی دیگر چنین وارد شده که «کفران النعم یزل القدم ویسلب النعم» (پیشین، ص ۵۳۸) بدیهی است کفر نعمت ابتدا بصورت فردی در زندگی افراد می تواند پدیدار شود اما قابلیت آن را دارد که به یک ناهنجاری عمومی تبدیل شود و به تصریح قرآن موجب فراگیری فقر و قحطی در کل جامعه شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۲۳)

ب - عدم رعایت احکام اقتصادی

احکام متعدد الهی در حوزه تعدیل معیشت زندگی انسان ها تشریع گردیده که برخی از آن ها به صورت ارشادی و برخی نیز بصورت مولوی می باشند و در راستای تنظیم زندگی اقتصادی به تبیین اصول و بایدیهایی پرداخته است. براساس آموزه های قرآنی؛ تحریم ربا، اسراف، قمار، اکل مال بالباطل، و غیره ... همگی از علل و عوامل متعددی هستند که بی تفاوتی به آنها می تواند موجب زوال برکت و نعمت از زندگی افراد شده و در نهایت یک فرد یا یک جامعه را با فقر مواجه سازد (رشیدی و همکاران ۱۳۹۳)

ج - فساد در ساختارهای توزیعی

از دیگر عللی که براساس اندیشه قرآنی موجب فقر در جامعه می گردد فساد در ساختارهای توزیعی جامعه و همچنین بی عدالتی است (میرسندسی ۱۴۰۳) در پی حل این مشکل آموزه های اسلامی تاکید موکد به رعایت قسط و عدالت اقتصادی از طرف آحاد مردم و مخصوصا کارگزاران جامعه می کند اساسا قرآن یکی از رسالت های اصلی انبیاء را رساندن جامعه به وضعیت اقامه قسط و عدل معرفی می کند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنْزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید : ۲۵) قرآن روش های متفاوتی را برای گسترش عدالت به جهت حل پدیده فقر در پیش می گیرد که طیفی از آن ها بر عهده دولت اسلامی بوده و طیف دیگری بر عهده تک تک آحاد مکلفین است . از جمله وظایف دولت توزیع راهبردی «فی» و «انفال» می باشد که به تصریح قرآن : «ما أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر : ۷) به جهت ممانعت از تجمع و انباشت ثروت در دست اغنیاء، دولت اسلامی موظف است «فی» را صرفا در میان فقرا توزیع نموده و از تخصیص آن میان همه مسلمانان اجتناب کند تا جامعه را به فضای توزیع عادلانه مواهب نزدیک کند

د - ترک حمایتگری اجتماعی

از دیگر عوامل شکل گیری فقر در جامعه بی تفاوتی افراد جامعه نسبت به همدیگر مخصوصاً اغنیاء به فقرا است قرآن با تاکید بر ادای انفاق های مالی واجب و مستحب در قالب صدقات، خمس و زکات جامعه را تشویق و تکلیف به بازتوزیع ثروت در جامعه به جهت زدودن فقر می نماید (بقره: ۲۷۳، حشر: ۸، توبه: ۶۰) بگونه ای که نیازهای فقرا را به عنوان حقی در اموال اغنیاء معرفی می کند «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» و در اموال آنان، حقی معلوم برای سائل و محروم است (ذاریات، ۱۹) از دیدگاه قرآن، فقر برخلاف نظریه مالتوس یک امر طبیعی اجتناب پذیر نیست بلکه یک پدیده اجتماعی است و تناسبی نسبت به وقوع آن با افزایش جمعیت ندارد ((اسرا: ۳۱) بلکه با تحقق مولفه های چون؛ استفاده مناسب و بهینه از نعمت های الهی، اجرای احکام شریعت و احیای ارزش های اخلاقی، اصلاح توزیع ثروت، تقویت عدالت اقتصادی قابل مدیریت است.

۳،۱،۳ جمعیت در قرآن

جمعیت، در معنای اصطلاحی، عبارت است از «تعداد افراد انسانی که در یک واحد جغرافیایی مشخص (مانند یک کشور، شهر یا منطقه) و در یک زمان معین، زندگی می کنند». این تعریف ساده و پایه ای، بنیان تحلیل های دموگرافیک، اجتماعی و اقتصادی مربوط به انسان شناسی جمعیتی را تشکیل می دهد (ویکس، ۲۰۲۱، ص ۳؛ شکاری، ۱۳۹۲، ص ۱۲) بدیهی است جمعیت با این نوع تعریف در قرآن نیامده است اما قرآن کریم به عنوان اصلی ترین منبع معرفت دینی در اسلام، بارها به موضوع آفرینش انسان، تکثیر نسل، تشویق به ازدواج و تبیین حکمت الهی در باره اولاد و فرزندان و مفاهیم مرتبط با آن اشاره کرده است. به تصریح آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نوح «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ» خداوند فزونی فرزندان را عامل امداد و از مواهب الهی بر انسان معرفی می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۶۹) در قرآن چند مولفه وجود دارد که بصورت صریح و ضمنی بر آن است که در سنت الهی افزایش جمعیت به هیچ وجه مانع و تهدیدی بر زندگی و تکامل انسان محسوب نمی گردد در سوره مرسلات با عبارت «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتاً أَحْيَاءَ وَ أَمْواتاً» گنجایش زمین را برای زندگان و دفن مردگان تضمین نموده است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵، ص ۴۸) به تعبیر تفسیر نمونه «زمین قرار گاهی است برای همه انسانها، زندگان را روی خود جمع می کند، و تمام حوائج و نیازهایشان را در اختیارشان می گذارد، و مردگان آنها را نیز در خود جای می دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۴۱۱) همچنین قرآن بصورت صریح ترس از فقر را به عنوان دلیلی برای محدودسازی نسل، شدیداً مورد نهی قرار می دهد «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ» (اسرا: ۳۱) کلمه "املاق" به معنای افلاس و نداشتن مال و هزینه زندگی است، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۶) از این جهت قرآن به صراحت بیان می دارد که از ترس عدم تامین هزینه های زندگی و نداشتن منابع و اموال فرزندان را نکشید (انعام: ۱۵۱) با توجه به اینکه عموم مفسرین در ترسیم فضای نزول این آیات بر آن هستند که کشتن فرزندان از ترس هزینه زندگی در میان عرب جاهلیت سنتی مرسوم بوده است چنین بدست می آید که مفهوم املاق از فقر فردی توسعه یافته به معنی فقر عمومی مانند قحطی و کمیابی منابع و امکانات زندگی توسعه و تعمیم یافته است، به گواهی تاریخ از آنجا که سرزمین حجاز اکثر سال ها درگیر قحطی و گرانی می شده، و مردم وقتی می دیدند که قحط سالی و افلاس آنان را تهدید می کند فرزندان خود را می کشتند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۶) علامه طباطبائی در تفسیر علت نهی خداوند از این منطق جاهلی چنین بیان می دارد که منطق اعراب در فرزندکشی از بنیان نادرست است شما با این دلیل که چون به سبب فقر و قحطی نمی توانید روزی و هزینه زندگی فرزندان را فراهم نمایید، اقدام به کشتن آن ها می کنید بدیهی است که این دلیل کاملاً غیر منطقی و غلط می باشد چرا که روزی شما را هم خدا می دهد پس شما چرا می ترسید و از ترس، آنان را به دست خود از بین می برید خداوندی که روزی شما را می دهد قادر است که روزی آن ها را هم بدهد (پیشین) قرآن بصراحت در این آیه استدلال می کند که اساساً منابع و فقر ارتباطی با جمعیت ندارد بلکه به میزان حضور هر فرد انسانی منابع و مایحتاجات او هم از طرف پروردگار نازل می شود در این آیه، خداوند ترس اقتصادی از تولد فرزند را مردود می داند و رزق را به خویش منسوب می کند؛ رویکردی که مستقیماً با سیاست های نئومالتوسی در تضاد است.

نقادی قرآنی مولفه های نظریه فقر منابع مالتوس

در این بخش پس از واکاوی و شناخت دقیق مفاهیم بنیادین نظریه مالتوس از منظر قرآن به تحلیل و بررسی و نقادی مولفه های اصلی و بنیادین نظریه مالتوس مبنی بر ضرورت مهار رشد جمعیت به جهت فقر منابع را مورد بحث قرار می دهیم شایان ذکر است نقادی مباحث پیش رو بر اساس داده ها و یافته های مباحث بخش پیشین است از این جهت مجددا در نقد مباحث از نقل مجدد مستندات پرهیز شده است .

۱. جبرگرایی اقتصادی و حذف مسئولیت اجتماعی

نظریه مالتوس، با تأکید بر محدودیت ذاتی منابع و رشد تصاعدی جمعیت، فقر را نه یک مسئله انسانی و قابل حل، بلکه نتیجه ای محتوم از قوانین طبیعی معرفی می کند. این نگاه، بنیان گذار نوعی **جبرگرایی اقتصادی** است که در آن، ساختارهای اجتماعی، نابرابری ها، اسراف، فساد و سوءمدیریت نادیده گرفته می شوند. در چنین چارچوبی، دولت ها و جوامع ثروتمند از مسئولیت خود در قبال رفع فقر و برقراری عدالت اجتماعی معاف جلوه می کنند. این دیدگاه از چند جهت از طرف قرآن مورد نقد قرار می گیرد اول آنکه قرآن کریم بر اراده و مسئولیت انسان در تغییر وضعیت اقتصادی و اجتماعی تأکید دارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد : ۱۱) به تصریح این آیه میان تمامی حالات انسان و اوضاع خارجی- چه در جانب خیر و چه در جانب شر-، يك نوع تلازم است (طباطبائی ۱۳۷۴، ج ۱۱ ص ۴۲۳) دوم آنکه قرآن به صراحت کمیابی مطلق را نپذیرفته و منابع را فراوان و رزق را محتوم می داند (انعام : ۴۲، لقمان : ۲۰، جاثیه، ۱۳، نحل : ۱۸، ابراهیم : ۳۴) و بر این بیان است که؛ مواهب و نعمات الهی فراوان و گسترده و تامین کننده تمامی مایحتاج بشری است (جاثیه، ۱۳، نحل : ۱۸، ابراهیم : ۳۴) و به نسبت هر انسانی که قدم بر کره خاکی می گذارد رزقی محتوم و مقدر وجود دارد و اعمال انسان در نزول یا سلب آن بشدت موثر است از این رو قرآن انگاره «فقر طبیعی» را به چالش می کشد و آن را نتیجه اعمال انسان از قبیل اسراف بی عدالتی، کفران نعمت یا ساختارهای معیوب توزیعی می داند (روم : ۴۱)

۲. مشروعیت فقر و نابرابری

نظریه مالتوس، با تلقی فقر به عنوان پدیده ای اجتناب ناپذیر، به طور ضمنی آن را **مشروع و طبیعی** جلوه می دهد. در این چارچوب، نابرابری های طبقاتی، تمرکز ثروت، و انباشت منابع در دستان اقلیت های ثروتمند، نه تنها ناپذیرفتنی نیست، بلکه ضروری برای تداوم بقای نظام اقتصادی فرض می شود. در نتیجه، فقرا به جای برخورداری از حمایت، مقصر یا لاقابل قربانیان بی اثر نظام طبیعی تلقی می شوند. این نگرش، با اصول عدالت اجتماعی در قرآن در تضاد است قرآن در تبیین و تعلیل فلسفه تقسیم «فی» عدم انباشت ثروت در دست اغنیاء را یک ضرورت اقتصادی دانسته و بیان می دارد «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر : ۱۷) منابع و ثروت نباید فقط میان اغنیا دست به دست شود. قرآن، نه تنها فقر را مشروع نمی داند، بلکه آن را اختلالی در نظم اجتماعی معرفی می کند که باید از طریق زکات، انفاق، وقف و سیاست های بازتوزیعی برطرف شود.

۳. سیاست های کنترل گرایانه جمعیتی

قرآن، نه تنها جمعیت را تهدید نمی داند، بلکه ترس از فقر در مواجهه با فرزندآوری را **بشدت محکوم** کرده و بیان می دارد رزق از آن خداوند است، نه تابع محاسبات محدود انسان. (اسراء : ۳۱) در نگرش قرآنی انسان خلیفه الله (بقره : ۳۰) که آگاهانه بارامانت الهی (تکلیف و مسئولیت) را پذیرفته و عامل رشد و تمدن و بهره برداری از زمین است، نه تهدیدی برای آن. «مطابق تصریح آیه ۶۱ سوره هود «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» انسان مامور آبادنی و عمران زمین است در تفسیر این آیه مفسرین ولغویون بر آن هستند که واژه استعمار "و اعمار" در لغت عرب در اصل به معنی تفویض آبادی زمین به کسی است و طبیعی است که لازمه آن این است که وسائل لازم را در اختیار او بگذارد (مکارم شیرازی ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۵۰) علامه طباطبائی نکته ظریفی در

تفسیر این آیه بیان می‌دارد که به نتایج پژوهش ما بسیار نزدیک است ایشان در تعلیل آیه بیان می‌دارد که همچنان که خداوند خلقت انسان را از زمین انشاء کرده همین زمین برای بقای انسان نیز کفایت می‌کند در واقع این زمین همچنان که موجب خلقت انسان است موجب بقای انسان هم است طباطبایی، (۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۶) بدیهی است خطاب آیه نوع انسان است از این رو اگر انسان مأمور عمران زمین است بدین جهت رابطه مستقیم بین افزایش جمعیت و آبادنی زمین وجود دارد، هر چه انسان و جامعه انسان بیشتر باشد امکان عمران زمین نیز بیشتر می‌گردد که این مهم از مجرای تدبیر، تقوا و حکمرانی عدالت محور تحقق می‌یابد تمرکز بر عدالت، بهرموری و تقوا در مدیریت منابع، جایگزینی است که قرآن به جای سیاست‌های جمعیت‌گریز مالتوسی ارائه می‌دهد

نتیجه گیری :

نظریه مالتوس، با تأکید بر محدودیت ذاتی منابع و رشد مهارنشده جمعیت، فقر را پدیده‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر می‌داند و راه حل آن را در مهار جمعیت و کاهش تقاضا تعریف می‌کند. این نگاه، محصول جهان‌بینی مادی‌گرا، انسان‌شناسی بدبینانه و نگرش جبرگرایانه به هستی است که در نهایت، جایگاه دین، اخلاق، عدالت و مسئولیت اجتماعی را از تحلیل اقتصادی و اجتماعی حذف می‌کند و پیشنهاد کنترل جمعیت را ارائه می‌دهد. قرآن کریم با تأکید بر خزائن بی‌پایان الهی، نقش فعال انسان در عمران زمین، و مشروط بودن رزق به رفتار اخلاقی و عادلانه، نگاهی کاملاً متفاوت به مسئله منابع و فقر ارائه می‌دهد. از منظر قرآن، فقر نه حاصل کمبود منابع، بلکه محصول فساد، اسراف، تبعیض و سوءتوزیع است؛ و راه حل آن نیز نه در کنترل جمعیت، بلکه در برقراری عدالت اجتماعی، تقوای جمعی، مبارزه با فساد و اسراف، شکر نعمت، و اصلاح ساختارهای اقتصادی و سیاسی است.

تحلیل آیات قرآن نشان داد که:

- الف - منابع طبیعی، محدودیت ذاتی ندارند بلکه نعمت های الهی فراوان و کافی برای تامین مایحتاج انسان می باشند عواملی چون تلاش و تقوا موجب نزول منابع جدید و مواهب متعدد و فراوان می شود
- ب - فقر، نه قاعده نظام خلقت، بلکه یک اختلال انسانی و اخلاقی است؛ دستورهای متعدد قرآنی مانند، استغفار بازتوزیع عادلانه منابع، سیاست های تشویقی و تکلیفی انفاق محور مانند زکات و خمس و صدقات همگی نشان دهنده نگرش قرآنی به این حقیقت است
- ج - رزق، مقوله‌ای حتمی و مقدر برای نوع بشر است در آیات متعددی، ترس از فقر به عنوان انگیزه مهار نسل به شدت تقبیح شده و رزق انسان‌ها به خداوند نسبت داده شده است
- د - در نگاه قرآنی، جمعیت نه تهدید، بلکه نعمتی الهی است که می‌تواند منشأ رشد و تمدن‌سازی باشد

جهان‌بینی قرآن کریم، نگاهی متفاوت به انسان، طبیعت و منابع و جمعیت ارائه می‌دهد. برخلاف نگاه مالتوسی که طبیعت را محدود، خشن و فاقد حکمت الهی می‌داند، قرآن، هستی را بر مبنای فیض، نظم، رحمت و هدفمندی ترسیم می‌کند. منابع طبیعی، در این منظر، «نعمت» هستند، نه «مانع»؛ و انسان، نه تهدیدگر طبیعت، بلکه خلیفه الهی است که مأمور به بهره‌برداری عادلانه، بدون اسراف و با تقواست. تحلیل قرآنی نشان می‌دهد که فقر پدیده‌ای طبیعی نیست، بلکه نتیجه رفتارهای نادرست بشری، ساختارهای ناعادلانه و فقدان تقواست. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نظریه فقر منابع مالتوس، در بنیان معرفتی و ارزشی خود با آموزه‌های اسلامی ناسازگار است و نمی‌تواند مبنایی بر سیاست های کنترل جمعیت باشد.

منابع :

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.

بیگی، مجید (۱۴۰۱). بررسی و تبیین مناسبات سنت الهی رزق با فعالیت اقتصادی در آیینه قرآن و حدیث .
کنگره بین‌المللی اقتصاد، اشتغال و تولید در آیینه قرآن و عترت (ع)، دانشگاه امام رضا(ع)، مشهد.

ترکاشوند، احسان؛ قره‌باغی، حسن(۱۳۹۹)، نقد و بررسی تطبیقی دیدگاه‌های موافق و مخالف کنترل جمعیت،
پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال هشتم، شماره نوزدهم.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق) غرر الحکم و درر الکلم، قم، چاپ دوم.

جمالی، محمد و همکاران (۱۳۹۳). پیشینه تاریخی برنامه جهانی کنترل جمعیت فصلنامه تاریخ پزشکی، سال
ششم، شماره بیستم، پاییز.

حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۵ق) رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین .
مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر علوم و معارف اسلام.

حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق) انوار درخشان در تفسیر قرآن ۱۸ جلد . تهران: لطفی، چاپ اول.

رشیدی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۳). علل فردی بروز فقر از منظر قرآن و حدیث . معرفت اقتصادی، سال
هشتم، شماره ۸۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) مفردات ألفاظ القرآن . بیروت - دمشق، چاپ اول.

زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق) تاج العروس من جواهر القاموس . بیروت، چاپ اول.

شکاری غلامرضا (۱۳۹۲) جمعیت شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران

طبرسی، فضل بن حسن(۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ
سوم طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش) ترجمه تفسیر المیزان (۲۰ جلد. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

طیب، عبدالحسین(۱۳۶۹) اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴ جلد، اسلام - ایران - تهران، چاپ: ۲، فراهیدی،
خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق) کتاب العین . قم، چاپ دوم.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق) کتاب العین . قم، چاپ دوم.

قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق) قاموس قرآن . تهران، چاپ ششم.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق.) الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم

مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، ایران- تهران، ۱۴۱۹ هـ.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - ایران - تهران
میرسندسی، سید محسن. (۱۴۰۳) تبیین جامعه‌شناختی توزیع عادلانه منابع و ثروتها از دیدگاه قرآن کریم.
آموزه‌های قرآنی ۲۱ (۴۰) ۵۷-۱۰۵ . <https://doi.org/10.30513/qd.2025.6506.2453>

میرمعزی، سید حسین و همکاران (۱۳۹۸) مفهوم کمیابی در اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی، معرفت
اقتصادی، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان.

موسوی، سید رسول (۱۳۹۴)، گونه‌شناسی نعمت در قرآن، تفسیر اهل‌البیت (ع)، شماره اول (پیاپی ۵)، بهار و
تابستان.

- Boserup, E. (1965). *The Conditions of Agricultural Growth: The Economics of Agrarian Change under Population Pressure*. Aldine.
- Connelly, M. (2008). *Fatal Misconception: The Struggle to Control World Population*. Harvard University Press.
- Hartmann, B. (1995). *Reproductive Rights and Wrongs: The Global Politics of Population Control*. South End Press.
- Malthus, T.R. (1826). *An Essay on the Principle of Population* (2nd ed.). London: J. Murray.
- Marx, K. (1867). *Capital: A Critique of Political Economy*, Vol. 1.
- Sen, A. (1983). *Poverty and Famines: An Essay on Entitlement and Deprivation*. Oxford: Clarendon Press.
- Simon, J. (1981). *The Ultimate Resource*. Princeton University Press.
- Sinding, S. (2000). "Population, Poverty and Economic Development," *Population Bulletin*, Vol. 55, No. 2.
- Waterman, A.M.C. (1986). "Economics as Theology: Adam Smith's Wealth of Nations," *Journal of Economic Literature*, 18: 367-373.